

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۲۸ دسمبر ۲۰۱۳

توطئه از طرف بد نام ترین مرکز دسیسه سازی و پروپاگند جهان BBC

علیه (شعله جاوید)!

به سلسله افشاءگری های این قلم علیه استخباراتی های جاسوس و خادیسیت های هزاره ایست و چنگیزیست و شکست آنها توسط من و رفقای هم رزم در صحنه سیاسی، این زنازادگان شرفباخته را بدان واداشته است تا به دامن بادران ایرانی و انگلیسی شان بیفتند و طالب مدد گردند.

در این راستا شخصی به اسم «علی امیری» که خودش را نویسنده و تحلیلگر معرفی می کند با یک سلسله معلومات غلط و خلاف حقایق نخست کوشیده است که (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» را مهر هزارگی بزند و نقش بر جسته و فنناپذیر «محمودی ها» و دیگر فرزندان انقلابی افغان را نفی نماید و زنده یاد «اکرم یاری» را بنیانگذار اصلی و واقعی (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» معرفی دارد و دوم بی ناموسانه خواسته است تا مهر وابستگی به چین را در پیشانی پر فروغ (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» حک کند و گویا مایه رسوائی اش واقع شود؛ زهی دیده درائی!

قبلاً متذکر شدم که داکتر غفور ثنا- انجنیر صادق ظفر و انجنیر حسین، اعضای کهنه کار و کهنه پیخ «حزب دمکراتیک خلق» وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی و جاسوسان آزموده و دست پرورده «کی جی بی» آستین های شان را در جهت بد نام ساختن (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» بر زده اند و از هر نوع دروغ و ریأ و رذالت در بدنام سازی این روند انقلابی و فراگیر ملی دریغ نورزیده و نمی ورزند. هم چنان روابط انجونیستی و جاسوسی این سه تا جاسوس شرفباخته و ضمیر باخته را با امپریالیسم غرب افشاء ساختیم و از روابط تنگاتنگ شان با «آی اس آی» پاکستان از طریق هزاره های «کویته» که در دولت، حکومت و استخبارات پاکستان مقام های بلندی را در اختیار داشتند و دارند، صحبت کردیم.

حالا شما خود ارتباط این زنازادگان، حرامزادگان، وطن فروشان و داغ های سیاه ننگ بر جبین و پیشانی خلق شریف هزاره را با سازمان جاسوسی انگریز Mi6 و مرکز دروغ پرانی، دروغ پردازی و توطئه گری انگریز یعنی BBC می بینیم که چگونه در بدنام سازی (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» می کوشند و چطور می خواهند که «شهید یاری» را من حیث بنیانگذار و رهبر (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» تحمیل نمایند. اما این حرامزادگان بی هویت و جاسوسان سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم

نمی‌دانند که نمی‌توان جلوی تابش خورشید را گرفت و تاریخ یک جریان انقلابی و خدمات فناپذیرش را انکار نمود و حاشا رفت؛ در حالی که رهبران، کادرها و رهروان شعله‌ئی هنوز در قید حیات می‌باشند و نفس می‌کشند. حالا ببینید که این توطئه از کجا سرچشمه گرفته و آب می‌خورد و آب به آسیاب دشمنان (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله‌ جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی»؟:

"در سال ۱۹۹۴ غلام حسین دای فولادی (با نام مستعار ارزگانی) در نشریه "امروز ما" ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان در پاکستان، مقاله در جدل با شعله جاوید نوشت و عنوان آن را "شعله جاوید خاکستری بر فقر بینش" گذاشته بود.!"

فرد نویسنده غلام حسین دای فولادی (با نام مستعار ارزگانی) متأسفانه از ملیت شریف هزاره است و وی عضو «حزب وحدت اسلامی» سگان تربیه شده ولایت فقیه ایران و دست پروردگان سازمان جاسوسی پاکستان، «آی اس آی» می‌باشد و در زمان حاکمیت خون و آتش خلقی و پرچمی در (خاد) رژیم مزدور ایفای وظیفه می‌نمود. بناءً عنوان تحلیل و نوشته «علی امیری»، «شعله جاوید خاکستری بر فقر بینش» از نشریه "امروز ما" ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان به قلم «ارزگانی» که در سال ۱۹۹۴ در کوئته- پاکستان، به نشر رسیده بود برداشته شده است!؟

چه باعث گشته است که یک سگ ولایت فقیه ایران غلام حسین دای فولادی (با نام مستعار ارزگانی) در مورد (شعله جاوید) پروپاکنند، چرندیات و لجن پراگنی کند و «علی امیری» بعد از گذشت دو دهه به نشخوار نمودن همان لجن پراگنی بپردازد؟

مگر غلام حسین دای فولادی (با نام مستعار ارزگانی) این عجزه چهار پای عنوانی را که تحت نام ("شعله جاوید خاکستری بر فقر بینش") انتخاب کرده بود؛ آیا با پیشکش نمودن کدام سند تاریخی توانسته است که بر چرندیات و هزیان گویی احمقانه اش مهر صحت و تائید بزند؟ خیر! تنها چیزی که در لجن پراگنی این سگ ایران مشاهده می‌شود نخست، ترس از اخگر زیر خاکستر (شعله جاوید) می‌باشد که اگر روشن شود خس و خاشاک هم چو وی و باداران خارجی اش را در میان امواج خشمگینش می‌سوزاند، دوم، ترس وی و باداران داخلی و خارجی اش از بینش و اندیشه میهنی و انقلابی و متکی به مردم (شعله جاوید) بود و می‌باشد که در اندک زمانی توسط تمامی اقشار جامعه مورد استقبال قرار گرفت و سوم، بدنام ساختن (شعله جاوید) می‌باشد تا ایران و سگان تربیه شده اش در عدم فعالیت و حضور فعال (شعله جاوید) در عرصه های سیاسی، نظامی و اجتماعی، بتوانند با خیال راحت برای منافع شئونبستی ایران تلاش ورزند!

حالا بعد از گذشت دو دهه، مادون های «کوانتل پرو» و سگان پرورده «خمینی» احساس نمودند که (جریان دمکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی»، نه «خاکستری بر فقر بینش»؛ بل اخگری سرخ زیر خاکستر بود که وزش طوفان انقلاب، بعد از یک خاموشی سنگین سه دهه، دوباره روشن، پر فروغ و شعله ورش ساخته است و این شعله های فروزان می‌رود تا ریشه های ظلم و ستم ملی و طبقاتی و جامعه طبقاتی را از بیخ و بن برکنند و بر فراز ویرانه های ظلمت ارتجاع و سرمایه دنیای نوی را ارمغان و نوید دهد و جشن شادی کارگران و همه زحمتکشان را بر پا دارد که آن روز دور نیست.

پیام من به سگ ولایت فقیه ایران غلام حسین دای فولادی (با نام مستعار ارزگانی) و سگ بوکش و جاسوس استخبارات انگلیس «علی امیری»، این است که جای خجالت و شرم می‌باشد که تا به حال شما زنازادگان تاریخ ندانسته اید که عصر هنوز هم عصر امپریالیسم و انقلابات است و این عصر تا هم اکنون به پایانش نرسیده است و امپریالیزم قلدری و

زور گوئی می کند و برای جهانی شدن سلطه اش مشغول تمدن سوزی و نسل کشی می باشد؛ پس زمانی که این عصر هنوز ادامه دارد چه دلیلی موجهی وجود دارد که «اندیشه مائوتسه دون» به «مائویسم» تغییر یابد؟
آیا مائوتسه دون از «ایسم» سخن گفته است؟

«مائوتسه دون» خودش را یک مارکسیست لنینیست مخاطب می کرد نه مائویست؟
ثابت بسازید که (جریان دموکراسی نوین افغانستان - شعله جاوید) و «سازمان جوانان انقلابی» ادعای «مائویست» بودن را کرده باشند؛ اگر ثابت نسازید نطفه های حرامی و ولد زنا و جاسوسان سرمایه هستید که ناموس مادر، زن و خواهران تان را در بدل نوکری و خدمت برای ارتجاع اسلامی و امپریالیسم جهانی به حراج گذاشته اید!
یازده شماره «شعله جاوید» را بخوانید، در کجایش از رهبری «شهید یاری» یاد و نوشته شده و در کجا از واژه «مائویسم» من حیث ایدئولوژی نام برده اند؟

بخاطر اثبات ادعای تان یک نوشته، تحلیل و یک جزوه کوچک که توسط «شهید یاری» نوشته شده باشد در پیشگاه خلق و تاریخ در معرض دید قرار دهید تا از نقش رهبری و بنیانگذاری «یاری صاحب» شهادت دهد؛ و در غیر آن شما خود بر گورستان رفتگان تان نه تنها می شاشید بل ریخ می زنید!
«مائویسم» دوکتورین خروسچف، برژنف و کاسیکین بوده و در جهت بدنام سازی «م ل ا» های افغانستان و خصومت با خدمات فنا ناپذیر و عملکرد های انقلابی «صدر مائوتسه دون»، در زرادخانه «کی جی بی» تدوین و تألیف و در جهت تبلیغ و پروپاگاند ترویج و اشاعه شده است.

پس شما سگان ارتجاع و سرمایه چتلی های خروسچف، برژنف و کاسیکین را نشخوار می کنید و باعث تعفن شده اید؛ شرم و ننگ بر شما نطفه های حرامی و به حراج گذاشته شده!

سؤال من از سگ ولایت فقیه ایران غلام حسین دای فولادی (با نام مستعار ارزگانی) و سگ بوکش و جاسوس استخبارات انگلیس «علی امیری» این است، آیا تا به حال در مورد نقش ضد بشری و جنایات هولناک و وحشیانه «حزب وحدت اسلامی» چیزی نوشته و مکتب نموده اید و یا خیر و اگر کرده اید در کجا و اگر نکرده اید چرا؟

آیا می دانید که چنگیز های عصر و مخترعان رقص مرده و سینه بریدن که ها اند؟

ننگ بر وجدان های مرده شما سگان خمینی و جاسوسان سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم!

زنده باد «شعله جاوید»!

زنده باد افغان و افغانستان!

مرگ بر دولت ارتجاعی و هژمونیستی و رویزیونیستی چین!